

## Conceptualization of Academic Plateau and Recognizing Its Affecting Contextual Factors

Zeinab Molavi<sup>\*</sup>

*Assistant Professor, Department of Public Administration, Faculty of Management and Accounting, Institute of Higher Education Non-profit of Toloue Mehr Qom, Qom, Iran*

(Received: October 1, 2020; Accepted: June 22, 2021)

### Abstract

Today, one of the most important problems in Iranian higher education is the mitigation of doctoral students' motivation to finalize their doctoral dissertation in proper and legal time which has posed huge costs on students, domestic higher education system and the country. Considering the concept of plateau, this phenomenon is called academic plateau. Thus, present study aims at conceptualizing academic plateau and recognizing its affecting contextual factors. Present study is a fundamental one and it is a descriptive survey in terms of data collection technique. Its population consists of all doctoral students who have approved their proposals. Finally, 660 students were selected by accessible method and they answered a semi-open questionnaire. All data were analyzed by drawing a contingency table and logistic regression. Findings suggest that about 19% of respondents suffer from academic plateau. Likewise, the findings indicate that among seven thematic variables studied in present research (including gender, the number of half – years to acquire dissertation, marital status, job occupation, type of university (with or without tuition), the importance of doctoral degree in job or in achieving a job, and interest in dissertation subject) two variables namely marital status and type of university have no effect on academic plateau while other variables were effective; in this vein, dissertation subject has the highest impact compared to other variables.

**Keywords:** Academic amotivation, Academic plateau, Educational burnout, Plateau.

## مفهوم‌پردازی فلات تحصیلی و شناسایی عوامل زمینه‌ای مؤثر بر آن

زینب مولوی<sup>-</sup>

استادیار، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و حسابداری، موسسه غیر انتفاعی طلوع مهر قم، قم، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۲۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۰۱)

### چکیده

امروزه یکی از معضلات مهم آموزش عالی ایران، کاهش انگیزه دانشجویان دکتری به پایان داده رساله دکتری در زمان مناسب و قانونی است که این امر هزینه بسیار زیادی برای دانشجویان، آموزش عالی و کشور به دنبال دارد. این پدیده با توجه به مفهوم فلات، فلات تحصیلی نامیده شد. بنابراین، هدف پژوهش حاضر مفهوم‌پردازی فلات تحصیلی و شناسایی عوامل زمینه‌ای ایجادکننده آن بود. پژوهش حاضر از نوع بنیادی، و از نظر نحوه گردآوری داده، توصیفی-پیمایشی بود. جامعه پژوهش همه دانشجویان دکتری بودند که پروپوزال خود را تصویب کرده بودند. از این میان، در نهایت، ۶۶۰ دانشجوی به روش در دسترس انتخاب شدند و پرسشنامه نیمه‌باز پژوهش را پاسخ دادند. داده‌ها با ترسیم جدول توافقی و رگرسیون لجستیک تحلیل شد. نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد حدود ۱۹ درصد از پاسخگویان دچار پدیده فلات تحصیلی هستند. همچنین، نتایج نشان داد از هفت متغیر زمینه‌ای مورد بررسی پژوهش (شامل جنسیت، تعداد نیم‌سال اخذ رساله، وضعیت تأهل، وضعیت اشتغال، نوع دانشگاه (شهریه‌ای یا بدون شهریه) و اهمیت مدرک دکتری برای ارتقا در شغل یا کسب شغل، و علاقه به موضوع رساله)، دو متغیر وضعیت تأهل و نوع دانشگاه در فلات تحصیلی تأثیرگذار نبودند و سایر متغیرها تأثیرگذار بودند و از این میان، علاقه به موضوع رساله تأثیر بیشتری با ضریب نسبت به سایر متغیرها داشت.

**واژگان کلیدی:** بی‌انگیزگی تحصیلی، فرسودگی تحصیلی، فلات تحصیلی، فلات.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## مقدمه

اصلی‌ترین رسالت نظام‌های آموزشی در همه کشورها، آموزش و تربیت نیروی انسانی مورد نیاز برای رشد و پیشرفت آن کشورها است. در این میان، دانشگاه‌ها به عنوان مهمترین پایگاه علمی برای پرورش نیروی انسانی متخصص، آگاه و باتجربه نقش مهمی در اجرای این رسالت به عهده دارند (مکارا و کارابنیک<sup>۱</sup>، ۲۰۱۷). در واقع، می‌توان گفت که رسالت اصلی دانشگاه‌ها پرورش نیروی انسانی، اشاعه علم، ایجاد خلاقیت، ابتکار و نوآوری است. بنا به گفته بازرگان (۱۳۸۳) تربیت نیروی انسانی متخصص مورد نیاز جامعه، ترویج و ارتقای دانش، گسترش تحقیق و فراهم کردن زمینه مساعد برای توسعه کشور یکی از وظایف مهم آموزش عالی است (بیگدلی، کرامتی و بازرگان، ۱۳۹۱).

دانشجویان به عنوان قشر روشنفکر، کارآمد و آینده‌ساز جامعه، بخش عمده برنامه‌ریزی و بودجه هر کشور را به خود اختصاص می‌دهند. آن‌ها از هوشمندترین و مستعدترین اقشار جامعه هستند، بنابراین، توجه به ابعاد روان‌شناختی آن‌ها برای بهبود پیشرفت تحصیلی‌شان اهمیت ویژه‌ای دارد (حیدری و مکتبی، ۱۳۹۳). علی‌رغم اهمیت این قشر، مشاهدات و تجربه محقق در طول فعالیت و تحصیل در دانشگاه‌ها، و آمارهای طول مدت انجام پایان‌نامه‌ها، به ویژه رساله‌های دکتری نشان داد، تعداد زیادی از دانشجویان تحصیلات تکمیلی به ویژه دانشجویان مقطع دکتری، نه تنها تمایل کمی به دفاع از رساله دکتری دارند و در اکثر موارد زمان دفاع بیش از زمان تعیین‌شده مجاز برای تحصیل است، که به سبب آن هم هزینه و هم زمان دانشجویان به هدر می‌رود و از طرفی، مسأله ظرفیت استادان راهنما و مشاور برای جذب دانشجویان مطرح می‌شود. این حالت رکود و سکون برگرفته از تعریف فلات، به «فلات تحصیلی»<sup>۲</sup> تعبیر شد. فلات<sup>۳</sup> یا سکون‌زدگی در مباحث زمین‌شناسی و جغرافیا به مفهوم مسیری مرتفع در یک زمین مسطح است. این تعریف چون

---

1. Makara & Karabenick  
2. Academic plateau  
3. Plateau

بیان‌کننده پایان صعود از سلسله‌مراتب ترقی است، شاید استعاره مناسبی برای این شرایط باشد. چرا که در این حالت دانشجوی مسیر ترقی را پیموده است و از نظر عملکردی و انگیزشی به بالاترین نقطه تحصیلی رسیده است. برای مدتی فقط در این سطح می‌ماند و گرچه در همین سطحی که هست، می‌تواند به کار ادامه دهد، اما پیشرفتی نخواهد داشت (سندها لترز<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳، ص ۲۰). با توجه به اهمیت بحث سکون‌زدگی و فلات‌زدگی در مسیر تحصیلی و یادگیری مفاهیم مختلفی در این زمینه توسعه یافته است، اما تا به حال به صورت مستقیم به این اصطلاح در متون نظری و پژوهشی پرداخته نشده است. واژگان مشابه از جمله فرسودگی تحصیلی<sup>۲</sup>، فلات یادگیری<sup>۳</sup>، بی‌انگیزگی تحصیلی<sup>۴</sup> و تعلل‌ورزی تحصیلی<sup>۵</sup> مطرح شده است که تشابهاتی با موضوع فلات تحصیلی دارد و البته با فلات تحصیلی متفاوت‌اند.

واژه فرسودگی تحصیلی به معنای پیدایش نگرش، رفتار و احساس منفی در مقابل فشارهای روانی مرتبط با تحصیل است. فرسودگی تحصیلی با استرس‌های فراوان، دغدغه‌مندی و نگرانی درباره نمره‌های درسی، شک و تردید نسبت به آینده، سطوح پایین کنترل، رضایت پایین و سطح پایین دریافت حمایت از همسالان و دوستان در رابطه است. فرسودگی تحصیلی توسط دانشجویان به صورت خستگی مزمن ناشی از کار بیش از اندازه در فعالیت‌های درسی، نگرش بدبینانه و بی‌تفاوتی نسبت به تحصیل، احساس شایستگی پایین و فقدان احساس موفقیت در تحصیل بروز داده می‌شود. فرسودگی می‌تواند تأثیر مخربی بر روی زندگی شخصی و تحصیلی افراد داشته باشند. فرسودگی یک حالت ذهنی و فیزیکی سالم نیست و نباید به عنوان یک نشانه مثبت از «سخت کارکردن» تفسیر شود (سالمرارو و تایکینن<sup>۶</sup>، ۲۰۱۲؛ قائمی‌طلب، ۱۳۹۶).

بی‌حوصلگی در یادگیری<sup>۷</sup> نتیجه تقاضای زیاد آموزش از دانشجویان و دانش‌آموزان است.

1. Sand holts
2. Academic burnout
3. Learning plateau
4. Academic amotivation
5. Academic procrastination
6. Salmela-Aro & Tynkkynen
7. Boredom of learning

علاوه بر این، در روند یادگیری، خستگی از درس و فشارهای روانی دیگر در یادگیری ایجاد می‌شود. به طوری که فراگیران برای حضور در کلاس تمایل ندارند، انگیزه یادگیری کاهش می‌یابد، دانشجویان از نظر عاطفی خسته می‌شوند، و فعالیت علمی فراگیران کاهش می‌یابد (کوسوما<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶). دانشجویی که فلات یادگیری را تجربه می‌کند، نمی‌تواند اطلاعات یا تجربیات جدید را همانطور که انتظار می‌رود، پردازش کند. برای همه انسان‌ها، بی‌حوصلگی در یادگیری می‌تواند بر اتفاق بیفتد، دانش‌آموزان و دانشجویانی که در حال یادگیری هستند، نیز از این قضیه مستثنا نیستند. به عبارت دیگر، دانشجویان اغلب ناتوانی‌های یادگیری را تجربه می‌کنند (آگوستین<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱). روهمان<sup>۳</sup> (۲۰۱۸) از جنبه خستگی عاطفی<sup>۴</sup>، افراد با کسالت، تحریک‌پذیری و سهولت در عصبی شدن دارند. از جنبه خستگی جسمی<sup>۵</sup>، اضطراب افراد را نشان می‌دهد. در فرسودگی ذهنی<sup>۶</sup>، افراد با پرهیز از تعیین تکلیف معلم نشان داده می‌شوند. و در از دست دادن انگیزه و اعتماد به نفس به افراد نشان داده می‌شود (ستریو و آگوستین<sup>۷</sup>، ۲۰۱۹، ص ۲۵۳). بین انگیزه پیشرفت<sup>۸</sup> و حمایت اجتماعی<sup>۹</sup> و فلات یادگیری دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد. مطالعات نشان داده است، دانشجویانی که انگیزه پیشرفت و حمایت اجتماعی بالاتری دارند، فلات یادگیری کمتری را تجربه می‌کنند (فیتروتین<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۸). بنابراین، فلات یادگیری نشان‌دهنده سکون در یادگیری معمولاً بعد از یک رشد و پیشرفت سریع در فراگیری است (میرزایی، ذوقی و دعوت‌گری اصل، ۲۰۱۷؛ گزیو<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۹؛ یو<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۷) است.

1. Kusuma
2. Agustin
3. Rohman
4. Emotional exhaustion
5. Physical fatigue
6. Mental exhaustion
7. Satrio & Agustin
8. Achievement motivation
9. Social support
10. Fitrotin
11. Xu
12. Yi

تعلل‌ورزی به عنوان رفتار تأخیری غیر منطقی و داوطلبانه، پدیده شایع در میان دانشجویان در سراسر جهان است که به صورت نگران‌کننده‌ای در نرخ بالا رخ می‌دهد (فاروق سیرین<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱؛ بالیکس و دورو<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹)، اگرچه امکان دارد تعلل‌ورزی همیشه مسأله‌ساز نباشد، اما در بیشتر مواقع از پیشرفت جلوگیری می‌کند و بنابراین، پیامدهای جبران‌ناپذیری را به دنبال دارد. تعلل‌ورزی نمودهای مختلف دارد از جمله تعلل‌ورزی تحصیلی، تعلل‌ورزی عمومی، تعلل‌ورزی در تصمیم‌گیری، تعلل‌ورزی روان‌رنجورانه، و تعلل‌ورزی وسواس‌گونه (کاپان<sup>۳</sup>، ۲۰۱۰). تعلل‌ورزی تحصیلی به تعلل در انجام امور تحصیلی به صورت داوطلبانه اشاره دارد.

لفرانسو (۱۹۹۷) انگیزه را علت و دلیل رفتار معرفی کرد. درباره تأثیر انگیزه بر یادگیری و پیشرفت تحصیلی، پژوهش‌هایی انجام گرفت است (از جمله ویکمن و ویرجیلیتو<sup>۴</sup>، ۲۰۱۵؛ راش<sup>۵</sup>، ۱۹۹۴)، که در مجموع، می‌توان گفت انگیزه تحصیلی تمایل فرد را به انجام تکالیف تحصیلی و انجام درست فعالیت‌های مربوط به تحصیلی نشان می‌دهد و به طور مستقیم با یادگیری و پیشرفت تحصیلی در ارتباط است (مولوی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۵۴). و به تبع آن، بی‌انگیزگی تحصیلی، نداشتن این تمایل است. فلات یادگیری شرایطی است که در آن قدرت یادگیری فرد کم شده و هر چه سعی می‌کند درس بخواند، قادر به یادگیری مطالب نیست (آدلر<sup>۶</sup> و همکاران، ۲۰۱۸؛ کیامپا<sup>۷</sup>، ۲۰۱۴)، به عبارتی، گاهی در فرایند یاددهی - یادگیری، یادگیری فراگیر متوقف می‌شود که به آن فلات یادگیری می‌گویند. فرد دیگر پیشرفت نمی‌کند و تکرار و تمرین در او تأثیر ندارد (زنگ<sup>۸</sup> و همکاران، ۲۰۱۵؛ من<sup>۹</sup>، ۲۰۱۷).

1. Faruk sirin
2. Balkis & Duru
3. Capan
4. Wilkesmann & Virgillito
5. Rush
6. Adler
7. Ciampa
8. Zheng
9. Mann

جدول ۱. تفاوت مفاهیم مشابه با فلات تحصیلی

مفهوم مشابه فلات تحصیلی	شرح	تفاوت با فلات تحصیلی
فلات یادگیری	شرایطی است که در آن قدرت یادگیری فرد کم شده و هر چه سعی می‌کند قادر به یادگیری مطالب نیست.	در شرایط فلات یادگیری، فراگیر قدرت یادگیری پایینی دارد، اما در فلات تحصیلی یادگیری طبیعی است، اما دانشجوی تمایل به ادامه تحصیل ندارد و در حالت رکود قرار گرفته است.
فرسودگی تحصیلی	پیدایش نگرش، رفتار و احساس منفی در مقابل فشارهای روانی مرتبط با تحصیل است.	فرسودگی تحصیلی نگرشی است و حاصل فشار روانی است؛ اما فلات تحصیلی رفتاری است و الزاماً ناشی از فشار روانی نیست.
بی‌انگیزگی تحصیلی	بی‌تمایلی فرد به انجام تکالیف تحصیلی و انجام درست فعالیت‌های مربوط به تحصیلی که و به طور مستقیم با یادگیری و پیشرفت تحصیلی در ارتباط است.	بی‌انگیزگی تحصیلی با یادگیری و انجام تکالیف درسی مرتبط است، و عدم تمایل را نشان می‌دهد، اما فلات تحصیلی با یادگیری تحصیلی ارتباط مستقیم ندارد.
تعلل‌ورزی تحصیلی	تعلل در انجام امور تحصیلی به صورت داوطلبانه اشاره دارد.	تعلل‌ورزی تحصیلی رفتاری کاملاً داوطلبانه و اختیاری است، اما فلات تحصیلی الزاماً اختیاری نیست.

در پژوهش حاضر منظور از فلات تحصیلی (سکون‌زدگی تحصیلی) دانشجویان دکتری، تمایل اندک دانشجویان به پایان تحصیلات و رکود این دانشجویان در مقطع دکتری و عدم پیشرفت آنان در اجرای رساله است. از این رو، بررسی علل و عوامل ایجادکننده فلات تحصیلی در میان دانشجویان دکتری اهمیت ویژه‌ای دارد و پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش است که پدیده فلات تحصیلی در میان دانشجویان دکتری به چه معناست؟ و عوامل زمینه‌ای مؤثر بر آن کدامند؟

بررسی منابع مختلف در زمینه موضوع پژوهش نشان داد هیچ مطالعه‌ای پدیده فلات تحصیلی را با این عنوان به کار نگرفته است؛ اما درباره مطالعات در حوزه مفاهیم نزدیک به فلات تحصیلی می‌توان به نتایج برخی مطالعات اشاره کرد. در مطالعات مختلف نشان داده شده است که تعلل‌ورزی تحصیلی می‌تواند شامل حاضرنشدن برای امتحان باشد. یا فرد در این حالت، انجام تکالیف درسی و مطالعه دروس را به تعویق اندازد. پژوهش دشت‌بزرگی (۱۳۹۵) نشان داد این تعویق‌گریبانگیر دانشجویان و دانش‌آموز شده و به دلیل پیامدهای شناختی و هیجانی منفی که دارد،

رفتاری ناسازگارانه است که می‌تواند آثار منفی جدی بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان داشته و به ناتوانی در مدیریت مؤثر زمان منجر شود. بهبود فرسودگی تحصیلی، تأثیر مثبتی بر عملکرد تحصیلی و کاهش افت عملکرد تحصیلی دارد. متغیرهای شخصیتی از ارکان مهم این تأثیرگذاری است. از متغیرهای شخصیتی می‌توان تمایلات روان‌رنجوری، هوش، خودپنداره، عزت نفس، اضطراب صفتی، انگیزه پیشرفت، کمال‌گرایی و تمایل به تعلل‌ورزی را نام برد. متغیرهای موقعیتی مانند برنامه، روش‌های آموزشی، شرایط عاطفی و فیزیکی محیط تحصیل و نگرش نسبت به مسائل آموزشی است که موفقیت در ارکان دیگر عملکرد تحصیلی را تسهیل می‌کند (دشت‌بزرگی، ۱۳۹۵).

نتایج مطالعات، فرسودگی تحصیلی سلطانی و همکاران (۱۳۹۵) نشان داد مؤلفه‌های سرمایه روان‌شناختی شامل خودکارآمدی، تاب‌آوری، خوش‌بینی و امیدواری، دانشجویان را مجهز به افکار، باورها و رفتارهای سازنده‌ای می‌کند که در مواجهه با شرایط استرس‌آور دوران تحصیل، با توانمندی بیشتر و آسیب‌پذیری کمتری مقابله کنند. ایشان معتقدند وجود سرمایه روان‌شناختی در میان دانشجویان پیامدهای مثبتی به همراه دارد که یکی از آن‌ها فرسودگی تحصیلی کمتر است (سلطانی و همکاران، ۱۳۹۵). در مطالعه دیگری که توسط عظیمی، پیری و زوار (۱۳۹۲) انجام گرفت، نشان داده شد فرسودگی تحصیلی و یادگیری خودتنظیمی با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان رابطه دارد. کمال‌پور، عزیززاده فروزی، و تیرگری (۱۳۹۸) اعتقاد دارند دوران دانشجویی به همان اندازه که می‌تواند برای دانشجویان استرس‌زا باشد، می‌تواند آن‌ها را به رشد و کمال نیز برساند، بنابراین، در پژوهشی در این زمینه دریافتند با افزایش فرسودگی دانشجویان، پیشرفت تحصیلی کاهش می‌یابد، آنان که نسبت به رشته تحصیلی خود علاقه دارند، فرسودگی کمتری را تجربه خواهند کرد. در این بین، میزان فرسودگی در بین زنان کمتر از مردان است و با افزایش سن میزان فرسودگی تحصیلی افزایش می‌یابد. همچنین، آنان دریافتند دانشجویانی که در خوابگاه زندگی می‌کنند، نسبت به دانشجویانی که در خانه دانشجویی اقامت داشتند، پیشرفت تحصیلی بهتری را نشان می‌دهند، که علت آن را جو حاکم بر این محیط‌ها می‌دانند. قائمی‌طلب (۱۳۹۶) بیان کرد فرسودگی تحصیلی یک شکل از خستگی جسمی و روحی است و سطح بالای استرس، آن را افزایش می‌دهد.



### روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با هدف مفهوم‌پردازی فلات تحصیلی در میان دانشجویان تحصیلات تکمیلی (دانشجویان دکتری) انجام گرفته است. داده‌ها به روش توصیفی - پیمایشی گردآوری شدند. به‌طور کلی پژوهش به روش تحلیلی اجرا شد و در بخش شناسایی عوامل زمینه‌ای نیز روش همبستگی به‌کار رفت. ابزار استفاده شده در پژوهش، پرسشنامه نیمه‌باز بود که به روش‌های الکترونیکی و حضوری توزیع شد. جمع‌آوری داده‌ها به روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی انجام گرفت. واحد تحلیل، فرد است و جامعه پژوهش، دانشجویان دکتری ایرانی شاغل به تحصیل در دانشگاه‌های ایرانی بودند که واحد رساله را اخذ کرده و پروپوزال آنان به تصویب رسیده بود. نمونه‌ای از این افراد به روش در دسترس انتخاب شد و پرسشنامه در اختیار آنان قرار گرفت. در یک دوره سه‌ماهه ۶۰۰۰ پرسشنامه نظرسنجی (۱۲۰ پرسشنامه حضوری و حدود ۵۸۸۰ پرسشنامه از طریق ایمیل یا شبکه‌های اجتماعی) توزیع شد که از این میان، ۱۱۰۴ پاسخ جمع‌آوری شد (۹۹ پرسشنامه حضوری و ۱۰۰۵ پرسشنامه به‌صورت الکترونیکی). از ۱۱۰۴ پاسخ دریافت‌شده، علی‌رغم اینکه در پرسشنامه ذکر شده بود که دانشجویان دکتری پاسخگو باشند، ۷۶ پاسخگو دانشجوی دکتری نبودند. از ۹۳۸ پاسخ باقیمانده، ۳۴۵ نسخه نیز اصلاً رساله را اخذ نکرده بودند، که کنار گذاشته شدند. ۱۷ مورد دانشجوی دکتری دانشگاه‌های خارج از کشور، و ۶ مورد دانشجوی دکتری خارجی در حال تحصیل در دانشگاه‌های ایران بودند، که چون هدف مطالعه دانشجویان دکتری ایرانی، شاغل به تحصیل در دانشگاه‌های درون کشور بود، این موارد از بررسی حذف شدند. داخل کشور پاسخ قابل بررسی به‌دست آمد<sup>۱</sup>. در مجموع، ۶۶۰ پاسخنامه وارد تحلیل شد. که با توجه به نامحدودبودن حجم جامعه و بر اساس جدول مورگان این میزان کفایت لازم را دارد. پژوهش در دو مرحله انجام گرفت. ابتدا با استفاده از یک‌سری شاخص‌های موجود در

۱. بازگشت پرسشنامه حضوری ۸۲٫۵ درصد و پرسشنامه غیر حضوری حدود ۱۸ درصد بود و به‌طور کل، نرخ بازگشت پرسشنامه کامل و قابل قبول ۱۱ درصد بوده است.

پیشینه و مفهوم فلات، فلات تحصیلی مفهوم‌پردازی شد؛ سپس، در قالب پرسشنامه، پیمایش گسترده‌ای انجام گرفت؛ تا از این طریق، عوامل زمینه‌ای مؤثر بر فلات تحصیلی شناسایی و بررسی شود. داده‌ها با ترسیم جدول توافقی و رگرسیون لجستیک در نرم‌افزار آماری SPSS تحلیل شد.

### یافته‌های پژوهش

برای شناسایی دانشجویان دکتری که دچار پدیده فلات تحصیلی شده بودند، همچنین، برای شناسایی عوامل زمینه‌ای مؤثر بر فلات تحصیلی، در قالب یک پرسشنامه نیمه‌باز برخی عوامل مؤثر بر فلات تحصیلی شناسایی شد. این پرسشنامه با شناسایی جامعه هدف به دو طریق الکترونیکی و حضوری به روش در دسترس توزیع شد. برای انجام پژوهش دانشجویان دکتری در نظر گرفته شدند که موضوع رساله آنان تصویب شده، و پروپوزال آنان تأیید شده بود. به این منظور، از پاسخگویان خواسته شد ابتدا مقطع تحصیلی را درج کنند و سپس، چنانچه در مقطع دکتری در حال تحصیل هستند و رساله خود را اخذ کرده‌اند و پروپوزال تصویب شده است، به ادامه پرسش‌ها پاسخ دهند. در ادامه، از پاسخ‌دهنده درخواست شد ویژگی‌های زمینه‌ای را در قالب هفت متغیر شامل جنسیت، تعداد نیم‌سال اخذ رساله، وضعیت تأهل، وضعیت اشتغال، نوع دانشگاه (شهریه‌ای یا بدون شهریه) و اهمیت مدرک دکتری برای ارتقا در شغل (در صورت شاغل بودن) یا کسب شغل، و علاقه به موضوع رساله را درج کند. گفتنی است این متغیرها بر مبنای مطالعات مختلفی که در زمینه فرسودگی تحصیلی، فلات یادگیری و بی‌انگیزگی تحصیلی انجام گرفته بود، و همچنین، استفاده از نظر خبرگان، احصا شد. سپس، از مشارکت‌کنندگان خواسته شد میزان تمایل خود برای اتمام رساله دکتری را بیان کنند.

در مجموع، در یک دوره سه‌ماهه ۶۰۰۰ پرسشنامه نظرسنجی (۱۲۰ پرسشنامه حضوری و حدود ۵۸۸۰ پرسشنامه از طریق ایمیل یا شبکه‌های اجتماعی) توزیع شد که از این میان، ۱۱۰۴ پاسخ جمع‌آوری شد (۹۹ پرسشنامه حضوری و ۱۰۰۵ پرسشنامه به صورت الکترونیکی). از ۱۱۰۴ پاسخ دریافت‌شده، علی‌رغم اینکه در پرسشنامه ذکر شده بود که دانشجویان دکتری پاسخگو باشند، ۷۶ پاسخگو دانشجوی دکتری نبودند. از ۹۳۸ پاسخ باقیمانده، ۳۴۵ نسخه نیز اصلاً رساله را

اخذ نکرده بودند، که کنار گذاشته شدند. ۱۷ مورد دانشجوی دکتری دانشگاه‌های خارج از کشور، و ۶ مورد دانشجوی دکتری خارجی در حال تحصیل در دانشگاه‌های ایران بودند، که چون هدف مطالعه، دانشجویان دکتری ایرانی، شاغل به تحصیل در دانشگاه‌های درون کشور بود، این موارد از بررسی حذف شدند. داخل کشور پاسخ قابل بررسی به دست آمد<sup>۱</sup>. در مجموع، ۶۶۰ پاسخنامه وارد تحلیل شد. توزیع ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخ‌دهندگان به شرح جدول ۲ است.

جدول ۲. توزیع فراوانی متغیرهای جمعیت‌شناختی پاسخگویان

درصد فراوانی	فراوانی	متغیر	
۴۲٫۰	۲۲۷	شاغل	وضعیت اشتغال
۵۸٫۰	۳۸۳	غیر شاغل	
۷۰٫۳	۴۶۴	دارای اهمیت	اهمیت مدرک در ارتقا یا کسب شغل
۲۹٫۷	۱۹۶	بدون اهمیت	
۶۱٫۷	۴۰۷	علاقه‌مند	علاقه به موضوع رساله
۳۸٫۳	۲۵۳	بی‌علاقه	
۶۶٫۳	۴۳۷	مجرد	وضعیت تأهل
۳۳٫۸	۲۲۳	متاهل	
۴۳	۲۸۴	شهریه‌ای	نوع دانشگاه
۵۷	۳۷۶	بدون شهریه	
۳۷	۲۴۴	کمتر از چهار ترم	تعداد ترم اخذ رساله
۲۰٫۱۱	۱۳۳	چهار تا شش ترم	
۲۲٫۰۱	۱۴۵	هفت تا نه ترم	
۷٫۸۸	۵۲	ده تا دوازده ترم	
۶	۴۰	بیش از دوازده ترم	
۷	۴۶	بدون پاسخ	
۶۳٫۴	۴۱۷	مرد	جنسیت
۳۶٫۶	۲۴۰	زن	

۱. بازگشت پرسشنامه حضوری ۸۲/۵ درصد و پرسشنامه غیر حضوری حدود ۱۸ درصد بود و به طور کل، نرخ بازگشت پرسشنامه کامل و قابل قبول ۱۱ درصد بوده است.

همان‌طور که مشاهده می‌شود از نظر جنسیت، پاسخگویان بیشتر مرد بودند، ۵۷ درصد پاسخگویان در دانشگاه‌های دولتی و بدون شهریه تحصیل می‌کردند. شرکت کردند. دانشجویان مجرد نزدیک به دو برابر دانشجویان متأهل بودند و درصد دانشجویانی که به موضوع رساله خود علاقه داشتند، بیشتر از درصد پاسخگویانی بود که به موضوع رساله خود علاقه نداشتند. در جدول ۳ توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس انگیزه (بی‌انگیزگی) انجام رساله و تعداد ترم‌هایی که از تصویب پروپوزال دکتری گذشته، نشان داده شده است.

جدول ۳. توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس انگیزه انجام رساله و تعداد ترم‌های اخذ رساله

کل	بی‌پاسخ	عدم انجام رساله با دلیل منطقی	بی‌انگیزگی در انجام رساله	در حال انجام رساله	
۵۶ درصد	۱ درصد	۵ درصد	۱۹ درصد	۳۱ درصد	گذشتن بیش از چهار ترم از تصویب پروپوزال
۳۷ درصد	۱ درصد	۴ درصد	۵ درصد	۲۷ درصد	کمتر از چهار ترم از تصویب پروپوزال
۷ درصد	۳ درصد	۲ درصد	-	۲ درصد	بی‌پاسخ
۱۰۰	۵ درصد	۱۱ درصد	۲۴ درصد	۶۰ درصد	کل

در مجموع، حدود ۶۰ درصد پاسخگویان در حال انجام رساله بودند (بخشی از این افراد بیش از چهار ترم از زمان تصویب پروپوزالشان گذشته بود و بخشی کمتر از چهار ترم؛ البته بخش کوچکی تعداد ترم‌ها را مشخص نکرده بودند). در مجموع، ۳۵ درصد کل پاسخگویان در حال انجام رساله نبودند، که ۲۴ درصد بی‌انگیزه در اجرای رساله و ۱۱ درصد به دلایل منطقی، مانند وضعیت خاص خانواده، شرایط خاص زندگی، تعارض بین استادان رساله و ...، از انجام رساله بازمانده بودند و انگیزه انجام رساله بعد از رفع این شرایط را داشتند، حتی به دنبال رفع این مشکلات برای انجام رساله بودند.

در مجموع، در پژوهش حاضر ۱۹ درصد دانشجویانی که بیش از چهار ترم از تصویب پروپوزال آن‌ها گذشته بود و برای انجام رساله خود انگیزه نداشتند و هیچ دلیلی برای عدم انجام آن نداشتند، دچار فلات تحصیلی شناخته شدند.

برای شناسایی تعیین‌کننده‌های (عوامل) زمینه‌ای مؤثر بر فلات تحصیلی (شامل هفت متغیر

جنسیت، تعداد نیم‌سال اخذ رساله، وضعیت تأهل، وضعیت اشتغال، نوع دانشگاه (شهریه‌ای یا بدون شهریه) و اهمیت مدرک دکتری برای ارتقا در شغل (در صورت شاغل بودن) یا کسب شغل، و علاقه به موضوع رساله) تجزیه و تحلیل چندمتغیری انجام شد. از آنجا که متغیر وابسته (فلات تحصیلی) دوجهی بود، رگرسیون لجستیک اجرا شد. به این منظور برای هر متغیر مستقل سطوح چندگانه در نظر گرفته شد. در اجرای رگرسیون لجستیک برای متغیر وابسته فلات تحصیلی، کد ۱ دانشجویان دکتری را که دارای این وضعیت هستند، نشان می‌دهد و کد صفر به معنای دانشجویان دکتری است که درگیر این وضعیت نبوده‌اند.

با توجه به اینکه ضریب معناداری آزمون Omnibus برای ارزیابی کل مدل رگرسیون لجستیک صفر به دست آمد (کمتر از سطح خطای ۰/۰۱)، قدرت تبیین مدل مناسب است و در سطح معناداری ۰/۰۱ برازش خوبی دارد. همچنین، لگاریتم درستنمایی و ضریب تعیین پژودو (شامل ضریب تعیین کاکس و نل<sup>۱</sup> و ضریب تعیین نیجل کرک<sup>۲</sup>) که تقریب‌های ضریب تعیین در رگرسیون خطی هستند، نشان می‌دهد ۷ متغیر پیش‌بین ورودی به مدل حدود ۵۲ تا ۷۴ درصد تغییرات متغیر وابسته، یعنی فلات تحصیلی را تبیین می‌کنند که نشان می‌دهد متغیرهای زمینه‌ای انتخاب شده قدرت تبیین بالایی دارند. نتایج رگرسیون لجستیک در جدول ۴ درج شده است.

جدول ۴. نتایج رگرسیون لجستیک

نسبت بخت‌ها	معناداری	آماره والد	خطای استاندارد	ضریب رگرسیونی برآورد شده	
۱,۲۵۵	۰,۰۰۴	۸,۲۶۶	۰,۰۸۰	۰,۲۳۲	وضعیت اشتغال
۱,۲۰۰	۰,۰۱۰	۷,۷۲۱	۰,۱۲۸	۰,۳۶۵	اهمیت مدرک برای ارتقا یا کسب شغل
۱,۵۳۷	۰,۰۰۰	۶,۴۵۱	۰,۲۰۴	۰,۵۰۱	علاقه به موضوع رساله
۰,۰۱۰	۰,۰۰۰	۶۹,۳۶۹	۰,۴۵۵	-۴,۶۳۵	تعداد ترم‌های اخذ رساله
۳,۶۳۲	۰,۰۰۰	۱۸,۰۲۹	۰,۳۹۶	۱,۲۲۸	جنسیت
-	۰,۴۳۷	-	-	۰,۰۰۰	نوع دانشگاه
-	۰,۲۴۴	-	-	۰,۰۰۰	وضعیت تأهل

1. Cox &amp; Snell R Square

2. Nagelkerke R Square

با توجه به نتایج رگرسیون لجستیک، دو متغیر نوع دانشگاه و وضعیت تاهل بر فلات تحصیلی تأثیر معنادار ندارند، یعنی با توجه به معناداری آماره والد، ورود این دو متغیر به مدل رگرسیونی معنادار نیست. اما پنج متغیر جنسیت، تعداد نیمسال اخذ رساله، وضعیت اشتغال، و اهمیت مدرک دکتری برای ارتقا در شغل (در صورت شاغل بودن) یا کسب شغل، و علاقه به موضوع رساله با فلات تحصیلی رابطه دارند. در مورد متغیر وضعیت اشتغال، از آنجا که آماره والد برابر با ۸/۲۶۶ و ضریب معناداری آن برابر با ۰/۰۰۴ و کمتر از ۰/۰۵ به دست آمد، وجود این متغیر در مدل رگرسیونی معنادار است. از طرفی، نسبت شانس برای این متغیر برابر با ۱/۲۵۵ و بزرگتر از عدد ۱ است و ضریب تأثیر آن برابر با ۰/۲۳۲ است، متغیر وضعیت اشتغال در ایجاد فلات تحصیلی مؤثر است، و با عنایت به کدگذاری انجام شده، دانشجویان شاغل نسبت به دانشجویانی که در حال حاضر شاغل نیستند، بیشتر دچار فلات تحصیلی می شوند. آماره والد برای متغیر اهمیت مدرک تحصیلی برای کسب یا ارتقای شغلی برابر با ۷/۷۲۱ است که در سطح تشخیص ۰/۰۱۰ معنادار است. نسبت بخت‌ها برابر با ۱/۲۰۰ است و ضریب تأثیر برابر با ۰/۳۶۵ است. با توجه به کدگذاری انجام گرفته در این متغیر، چنانچه مدرک تحصیلی برای کسب یا ارتقای شغلی دانشجوی مؤثر باشد، فلات تحصیلی نسبت به دانشجویانی که کسب مدرک تحصیلی در کسب یا ارتقای شغلی آنان تأثیری ندارد، بیشتر مشاهده می شود. علاقه به موضوع رساله متغیر دیگری بود که بررسی شد. آماره والد برای این متغیر ۶/۵۴۱، با معناداری ۰/۰۰۰ به دست آمد و نسبت بخت‌ها برابر با ۱/۵۳۷ و بیش از یک به دست آمد که با در نتیجه، با توجه به کدگذاری، دانشجویانی که به موضوع رساله علاقه داشتند، بسیار کمتر دچار فلات تحصیلی می شدند. ضریب تأثیر این متغیر بر فلات تحصیلی ۰/۵۰۱ بود.

آماره والد برای متغیر تعداد ترم‌های اخذ رساله برابر با ۶۹/۳۶۹ با معناداری ۰/۰۱۰ به دست آمد که با توجه به کدگذاری انجام گرفته، نشان می دهد هر چه تعداد ترم‌های اخذ رساله بیشتر شود، فلات تحصیلی با ضریب ۴/۶۳۵- کمتر می شود. نسبت بخت‌ها در اینجا کمتر از عدد یک و برابر با ۰/۰۱۰ است. در نهایت، آماره والد متغیر جنسیت ۱۸/۰۲۹ و ضریب معناداری آن ۰/۰۰۰

(کمتر از ۰/۰۵) به‌دست آمد که نشان‌دهنده معناداری این متغیر در مدل رگرسیونی است. نسبت احتمال برای متغیر یاد شده برابر با ۳/۶۳۲ (بزرگ‌تر از ۱) و ضریب تأثیر آن برابر با ۱/۲۲۸ است، از این رو، می‌توان نتیجه گرفت جنسیت با فلات تحصیلی رابطه مثبت دارد و با توجه به کدگذاری‌های انجام‌گرفته فلات تحصیلی در مردان دانشجو بیشتر از زنان است.

### بحث و نتیجه‌گیری

پدیده فلات تحصیلی، نوعی سکون در پیشرفت تحصیلی است که بیشتر جنبه روانی دارد و نشان‌دهنده عدم تمایل به پایان‌دادن رساله و تعلل در انجام آن است. این مسأله با توجه به تجربه و مشاهدات میدانی پژوهشگر، بیشتر در مقطع دکتری و بین دانشجویان دکتری دیده می‌شود که درگیر انجام رساله دکتری هستند. برای مفهوم‌پردازی این واژه، با شاخص‌های مختلف، دانشجویان دکتری غربال شدند. با نظر خبرگان و با استفاده از مقیاس‌های تعلل‌ورزی تحصیلی، بی‌انگیزگی تحصیلی، فرسودگی تحصیلی و فلات یادگیری و با توجه به نظر خبرگان در این زمینه، تمامی دانشجویان دکتری که واحد رساله را اخذ کرده و پروپوزال را تصویب کردند، مد نظر مطالعه حاضر بودند. به این منظور دانشجویانی که حداقل چهار ترم از تصویب پروپوزال آن‌ها گذشته بود و تا کنون هیچ اقدام عملی برای انجام رساله نکرده بودند، تصمیمی جدی نیز برای انجام آن در آینده نزدیک نداشتن و مهمتر اینکه هیچ دلیل منطقی برای این تعلل را نداشتند، به عنوان دانشجویانی که در شرایط فلات تحصیلی قرار گرفتند، معرفی شدند.

بر اساس نتایج بررسی‌ها مشخص شد ۵۶ درصد از پاسخگویان بیش از چهار ترم از تصویب پروپوزال آنان گذشته بود و از مجموع پاسخگویان، ۱۹ درصد تمایل به انجام رساله نداشتند و هیچ دلیل منطقی برای این عدم تمایل ابراز نکردند. سایر دانشجویانی که انجام رساله را به تعویق انداختند، دلایلی از جمله شرایط خاص در خانواده، شرایط کاری سخت و وقت‌گیر و .. را به عنوان دلیل عنوان کردند. ۱۹ درصد یادشده به عنوان دانشجویانی که درگیر فلات تحصیلی بودند، معرفی شدند.

در پژوهش حاضر برخی پیش‌بینی‌کننده‌های زمینه‌ای فلات تحصیلی شناسایی شد. به این

منظور رابطه هفت متغیر زمینه‌ای (شامل جنسیت، تعداد نیم‌سال اخذ رساله، وضعیت تأهل، وضعیت اشتغال، نوع دانشگاه (شهریه‌ای یا بدون شهریه) و اهمیت مدرک دکتری برای ارتقا در شغل (در صورت شاغل بودن) یا کسب شغل، و علاقه به موضوع رساله) با فلات تحصیلی بررسی شد. نتایج نشان داد وضعیت اشتغال، در ایجاد فلات تحصیلی مؤثر است، و با عنایت به کدگذاری انجام شده، دانشجویان شاغل نسبت به دانشجویانی که در حال حاضر شاغل نیستند، بیشتر دچار فلات تحصیلی می‌شوند. یکی از دلایلی که دانشجویان به دنبال افزایش سطح تحصیلات و کسب مدرک سطح بالاتر هستند، نیاز به اشتغال است. بنابراین، بسیاری دانشجویانی که به دنبال کسب مدرک تحصیلی جدید هستند، به دنبال اشتغال هستند و وقتی شاغل هستند، انگیزه کمتری برای اتمام دوره تحصیل دارند. به ویژه اگر اتمام دوره تحصیل و وقت گذاشتن برای آن، به شغل دانشجوی نیز آسیب بزند (با توجه به وضعیت اشتغال و بیکاری امروزی و شرایط اقتصادی فعلی و عدم حمایت نهادهای ذیربط و مسئولان از دانشجویان دکتری)، حفظ شغل نسبت به انجام رساله و پایان دادن به مقطع دکتری اولویت می‌یابد. بنابراین، دانشجویان شاغل نسبت به دانشجویان غیر شاغل بیشتر دچار فلات تحصیلی می‌شوند. و این به آن معنا نیست که فلات تحصیلی در دانشجویان غیر شاغل مشاهده نمی‌شود، زیرا اشتغال فقط یکی از دلایل موجد فلات تحصیلی است. همچنین، نتایج نشان داد چنانچه مدرک تحصیلی برای کسب یا ارتقای شغلی دانشجوی مؤثر باشد، فلات تحصیلی نسبت به دانشجویانی که کسب مدرک تحصیلی در کسب یا ارتقای شغلی آنان تأثیری ندارد، بیشتر مشاهده می‌شود. این موضوع در تأیید عامل قبلی، نشان می‌دهد اگر دانشجوی با کسب مدرک تحصیلی امید داشته باشد که فرصت‌های شغلی به دست می‌آورد، یا چنین فرصت‌هایی به واقع، برای او وجود داشته باشد، یا در نهایت، ارتقای شغلی او منوط به کسب و ارائه مدرک تحصیلی دکتری باشد، انگیزه دانشجوی برای اتمام دوره تحصیلی دکتری زیاد می‌شود و معمولاً به دلایلی که در آن منفعت و نیاز درگیر است، در اتمام دوره دکتری تلاش می‌کند. علاقه به موضوع رساله، متغیر دیگری بود که بررسی شد. این متغیر با ضریب تأثیر ۰/۵۰۱ بر فلات تحصیلی اثرگذار است. بدیهی است علاقه به هر کار و فعالیتی انگیزه انجام آن کار، فعالیت و به



اتمام‌رساندن آن را تضمین می‌کند. به عبارتی، می‌توان گفت دانشجویان دکتری که به موضوع رساله خود علاقه دارند، حس کنجکاوی و علاقه آنان باعث می‌شود رساله را با علاقه و پشتکار به پایان برسانند و کمتر دچار فلات تحصیلی شوند. البته این عامل اگرچه نسبت به سایر عوامل اثر بیشتری دارد، اما به تنهایی بخشی از دلایل فلات تحصیلی دانشجویان دکتری را باعث می‌شود.

هر چه تعداد ترم‌های اخذ رساله بیشتر باشد، فلات تحصیلی با ضریب  $۴/۶۳۵-$  کمتر می‌شود، که ممکن است این موضوع ناشی از قوانین و مقررات دانشگاه‌ها و وزارت علوم درباره تعداد ترم‌های مجاز تحصیل در دوره دکتری باشد، که این امر منجر می‌شود دانشجویان تلاش کنند مشمول جریمه یا سنوات یا فرایند بوروکراسی اجازه دفاع از رساله نشوند. در نهایت، متغیر جنسیت با ضریب تأثیر  $۱/۲۲۸$  بر فلات تحصیلی تأثیرگذار است. از این رو، می‌توان نتیجه گرفت جنسیت با فلات تحصیلی رابطه مثبت دارد و با توجه به کدگذاری‌های انجام‌گرفته فلات تحصیلی در مردان دانشجو بیشتر از زنان است. شاید دلیل این امر را بتوان به سایر متغیرهای اثرگذار در فلات تحصیلی جست‌وجو کرد به طوری که دانشجویان مرد امکان بیشتری دارد که اشتغال داشته باشند و این اشتغال باعث می‌شود روی فلات تحصیلی آنان تأثیرگذار باشد. درصد بالایی از دانشجویان دکتری مرد شاغل هستند و درصد کمتری از دانشجویان دکتری زن شاغل هستند.

در نهایت، نتایج نشان داد دو متغیر نوع دانشگاه و وضعیت تأهل بر فلات تحصیلی تأثیر معنادار ندارد. درباره نوع دانشگاه (شهریه‌بودن یا بدون شهریه بودن دانشگاه) به دلیل اینکه در اکثر دانشگاه‌های غیر شهریه‌ای نیز با افزایش سنوات انجام رساله و طولانی‌شدن فرایند انجام رساله، برای دانشجو جریمه‌ای در نظر گرفته می‌شود، و بنابراین، دانشجو موظف است هزینه‌ای را متقبل شود، نوع دانشگاه از نظر شهریه‌بودن در فلات تحصیلی مؤثر نیست. به عبارتی، نوع دانشگاه و پرداخت شهریه در اینکه دانشجو تلاش کند و انگیزه یابد که رساله را به انجام برساند، تأثیرگذار نیست؛ چرا که دانشجو در هر دو نوع دانشگاه در صورت افزایش سنوات تحصیلی، مشمول هزینه خواهند شد و بنابراین، این مسأله برای دانشجو انگیزاننده نخواهد بود.

همچنین، درباره وضعیت تأهل می‌توان گفت، بر اساس نتایج وضعیت تأهل تأثیری بر فلات

تحصیلی دانشجویان دکتری ندارد. تأهل گاه منجر به افزایش انگیزه برای اتمام مقطع تحصیلی می‌شود و گاه به دلیل ایجاد مشغله جانبی و غیر درسی، ممکن است به ایجاد فلات تحصیلی کمک کند. ضمن اینکه بسیاری از دانشجویانی که متأهلند (به ویژه مردان) شاغل هستند و ممکن است تأثیر اشتغال بر فلات تحصیلی بیش از خود تأهل باشد. در حالی که انتظار است افراد متأهل بیشتر دچار فلات تحصیلی شوند، پیامدهای تأهل، از جمله ایجاد انگیزه کاری، اشتغال، همفکری زوجین در امور تحصیلی، افزایش مشغله‌های زندگی به طور مثبت و منفی می‌تواند بر فلات تحصیلی تأثیرگذار باشد که در مجموع، این تأثیر به صورت خنثی نمایان می‌شود. اگرچه همان‌طور که بیان شد، هیچ پژوهشی در موضوع فلات تحصیلی انجام نگرفته است اما در حوزه سایر مطالعات مشابه با فلات تحصیلی می‌توان گفت کمال‌پور، عزیززاده فروزی، و تیرگری (۱۳۹۸) دریافتند که با افزایش فرسودگی دانشجویان پیشرفت تحصیلی کاهش می‌یابد، آنان که نسبت به رشته تحصیلی خود علاقه دارند، فرسودگی کمتری را تجربه خواهند کرد. در این بین، میزان فرسودگی در بین زنان کمتر از مردان است و با افزایش سن میزان فرسودگی شغلی افزایش می‌یابد. پژوهش حاضر نقش جنسیت را در فلات تحصیلی نشان داد و مردان را بیش از زنان دچار فلات تحصیلی معرفی کرد.

پژوهش حاضر، پژوهشی میان‌رشته‌ای است که در مرز دانش به دنبال معرفی مفهومی جدید در بستر مدیریت آموزشی است. مطالعات نظری درباره آن انجام نگرفته است و می‌توان مواردی از این پدیده را در حیطه موضوعی تعلل‌ورزی تحصیلی، بی‌انگیزگی تحصیلی، فلات یادگیری و فرسودگی تحصیلی تا حدودی مشاهده کرد، اما فلات تحصیلی با توجه به آنچه گفته شد، با این مفاهیم تفاوت دارد، و لزوم مطالعه و بررسی نظری و افزایش دانش نظری در این حوزه محرز و مشخص است. این مقاله شروعی برای مطالعات در این زمینه است و پژوهشگر قصد دارد در ادامه پیشایندها و پیامدهای آن را در میان دانشجویان دکتری شناسایی کند. برطرف کردن فلات تحصیلی نیاز به شناخت محدودیت‌های فرد به عنوان یک انسان و دانستن میزان اثرگذاری عوامل مؤثر بر آن را دارد. یادگیری نحوه جلوگیری از آن و مدیریت آن کمک می‌کند دانشجویان برای ادامه زندگی

تحصیلی مناسب عمل کند و صرفه‌جویی خوبی در هدررفت انرژی، زمان نسل جوان فعال و کارآمد اجتماع داشته، زمینه‌ساز پیشرفت ملی شده و هزینه‌های فردی، اجتماعی و دولتی را که در این راستا به هدر می‌رود، به چرخه اقتصاد برگردانده شود.

به سایر پژوهشگران نیز پیشنهاد می‌شود رابطه برخی عوامل فردی، فرهنگی، آموزشی، اجتماعی و ... را در ایجاد این پدیده بررسی کنند. همچنین، پیشنهاد می‌شود سنجه‌ای برای بررسی میزان فلات تحصیلی در میان دانشجویان طراحی و اعتباربخشی شود. در نهایت، به محققان آتی پیشنهاد می‌شود مطالعات جامعی در زمینه راهکارهای برون‌رفت از این پدیده را که متاسفانه و با توجه به نتایج پژوهش حاضر بخش شایان توجهی از دانشجویان دکتری درگیر آن هستند، انجام دهند.

پژوهش حاضر مانند هر پژوهش علمی دیگری دارای محدودیت‌هایی بوده است. از جمله این محدودیت‌ها عدم همکاری دانشجویان دکتری و گاهاً پاسخ نادرست دانشجویان در پاسخگویی به پرسش‌ها، دامنه گسترده پژوهش و به تبع آن توزیع پرسشنامه غیر حضوری که نرخ بازگشت را کاهش می‌داد، تصور منفی پاسخگویان از این پیمایش‌ها و در نهایت، غیر حضوری بودن دانشگاه‌ها به سبب وضعیت محدودیت‌های کرونایی و نبود امکان ارتباط حضوری به طور کامل و به راحتی با دانشجویان دکتری.

در نهایت، با توجه به اهمیت پدیده فلات تحصیلی، به دست‌اندرکاران حوزه آموزش و پژوهش پیشنهاد می‌شود با شناسایی عوامل ایجاد فلات تحصیلی، در کاهش آن تلاش کنند. به این منظور پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

- زمان‌بندی مناسب اجرای رساله و پیگیری برای انجام مناسب و به‌روز آن با استفاده از الزامات قانونی.
- ارائه مشوق‌هایی برای ارائه رساله باکیفیت در زمان مناسب و به‌موقع.
- ایجاد الزامات شفاف و مناسب برای همکاری تیم رساله (استادان راهنما و مشاور) با دانشجو به صورت جدی‌تر به منظور پایان‌دادن به‌موقع رساله.
- نتایج پژوهش نشان داد بی‌علاقگی به رساله مهمترین عامل زمینه‌ای برای ایجاد فلات

- تحصیلی است. این عامل با همفکری دانشجو و توضیحات مناسب تیم راهنما باید به درستی مدیریت شود.
- انتخاب موضوعات مرتبط با شغل افراد شاغل و حتی المقدور با قلمرو محل کار، برای افراد شاغل به منظور تسریع در انجام رساله.
  - فلات تحصیل موضوعی میان رشته‌ای است که نه تنها همت دست‌اندرکاران حوزه آموزش را می‌طلبد، بلکه به همفکری روان‌شناسان و پژوهشگران حوزه روان‌شناسی نیز نیازمند است.



## منابع

- بیگدلی، مژگان، کرامتی، محمدرضا، و بازرگان، عباس (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین رشته تحصیلی با وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران. *برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۱۸(۳)، ۱۱۱-۱۳۱.
- حیدری، سکینه، و مکتبی، غلامحسین (۱۳۹۰). مقایسه هوش فرهنگی، احساس تنهایی، فرسودگی تحصیلی و سلامت روان در دانشجویان دختر کارشناسی ارشد بومی و غیر بومی. *زن و فرهنگ*، ۳(۹)، ۵۷-۴۵.
- دشت‌بزرگی، زهرا (۱۳۹۵). رابطه تعلل‌ورزی و کمال‌گرایی تحصیلی با فرسودگی تحصیلی و عملکرد تحصیلی در دانشجویان پزشکی. *راهبردهای آموزش در علوم پزشکی*، ۹(۱)، ۴۱-۳۴.
- سلطانی، زیبا، صادقی محبوب، سمانه، قاسمی جوبنه، رضا، و یوسفی، نجف (۱۳۹۵). نقش سرمایه روان‌شناختی در فرسودگی تحصیلی دانشجویان. *راهبردهای آموزش در علوم پزشکی*، ۹(۲)، ۱۶۲-۱۵۶.
- عظیمی، محمد، پیری، موسی، و زوار، تقی (۱۳۹۲). رابطه فرسودگی تحصیلی و یادگیری خودتنظیمی با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه. *پژوهش در برنامه‌ریزی درسی*، ۱۰(۱۱)، ۱۲۸-۱۱۶.
- قائم‌طلب، فرشته (۱۳۹۶). آیا اهمال‌کاری بر فرسودگی تحصیلی دانش‌آموزان تأثیرگذار است؟ (مطالعه موردی). در دسترس در <http://behinegi.com> (در تاریخ ۱۴۰۰/۲/۱۰)
- کمالپور، سمیه، عزیززاده فروزی، منصوره، و تیرگری، بتول (۱۳۹۸). ارتباط فرسودگی تحصیلی با پیشرفت تحصیلی در دانشجویان پرستاری. *طب پیشگیری*، ۶(۲)، ۸۱-۷۴.
- مولوی، پرویز، صمدزاده، مهدی، شهبازادگان، بیتا، و یوسفی، کامل (۱۳۹۲). عوامل فردی و محیطی مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اردبیل. *سلامت و مراقبت*، ۱۵(۳)، ۴۷-۳۸.
- Adler, I., Schwartz, L., Madjar, N., & Zion, M. (2018). Reading between the lines: The effect of contextual factors on student motivation throughout an open inquiry process. *Science Education*, 102(4), 820-855.
- Agustin, M. (2011). *Permasalahan belajar Dan inovasi pembelajaran*. Refika Aditama.

- Balkis, M., & Duru, E. (2009). Prevalence of academic procrastination behavior among pre-service teachers and its relationship with demographic and individual preferences. *Qual Res Health Science*, 2(2), 90-104.
- Capan, E. (2010). Relationship among perfectionism, academic procrastination and life satisfaction of university student. *Social Behavior Science*, 5(2), 1665-1671.
- Ciampa, K. (2014). Learning in a mobile age: an investigation of student motivation. *Computer Assisted Learning*, 30(1), 82-96.
- Faruk sirin, E. (2011). Academic procrastination among undergraduates attending school of physical education and sports: Role of general procrastination, academic motivating, and academic self-efficacy. *Educational Research Review*, 6(5), 111-124.
- Fitrotin, K. (2018). *Hubungan antara motivasi berprestasi dan dukungan sosial orang tua dengan kejenuhan belajar siswa*. 121. Program Studi Magister Psikologi Sekolah Pascasarjana. Universitas Muhammadiyah Surakarta.
- Kusuma, Y. (2016). *Pengembangan Media Kartu u “no...kejenuhan belajar” untuk siswa smp negeri 3 babat*. Universitas Negeri Surabaya (pp.1-7).
- Makara, K., & Karabenick, S. (2017). *Longitudinal high school research revealed: Using surveys to assess student motivation and social networks*. In: SAGE Research Methods Cases Part 2 [online]. SAGE Publications.
- Mann, M. D. (2017). Increasing student motivation to learn by making computer game technology more engaging: Measurable outcomes that determine success. *Contemporary Issues in Education Research*, 10(2), 117-12.
- Mirzaei, M., Zoghi, M., & Davatgari Asl, H. (2017). Understanding the language learning plateau: A grounded-theory study. *Teaching English Language*, 11(2), 195-222.
- Rush, Sh. (1994). Analysis factors that place student at risk. *Educational Research*, 4(3), 38-42.
- Salmela-Aro, K., & Tynkkynen, L. (2012). Gendered pathways in school burnout among adolescents. *Adolescence*, 35, 929-939.
- Sandholtz, K. (2003). Are you in danger of plateauing? Available <http://www.Happycareer.com/html/are-you-in-daneger-of-plateauing>.
- Satrio, B. A., & Agustin, I. M. (2019). Tendency for learning plateau: Literature study in grade five at Bandung regency primary school. *3rd International Conference on Learning Innovation and Quality Education (ICLIQE 2019)*.
- Wilkesmann, U., & Virgillito, A. (2015). Academic motivation of students - The German case.
- Xu, Q. (2009). Moving beyond the intermediate EFL learning plateau. *Asian Social Science*, 5(2), 65-68.
- Yi, F. (2007). Plateau of EFL learning: A psycholinguistic and pedagogical study. Retrieved from <http://citeseerx.ist.psu.edu/>.
- Zheng, S., Rosson, M. B., Shih, P. C., & Carroll, J. M. (2015). Understanding student motivation, behaviors and perceptions in MOOCs. In *Proceedings of the 18th ACM Conference on Computer Supported Cooperative Work & Social Computing* (pp. 1882-1895). ACM.